

دانشوران شیعه

و نقد گزارش‌های تاریخی بر پایه باورهای کلامی

علی حسن‌بگی / استادیار دانشگاه اراک / a-hasanbagi@araku.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۳/۰۹ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۰۶/۱۶

چکیده

نقد و ارزیابی گزارش‌های تاریخی که یکی از مؤلفه‌های مهم پژوهش‌های تاریخی به شمار می‌آید، همواره نزد پژوهشگران تاریخ، اهمیت بسزایی داشته است. آنان همواره با استفاده از معیارهایی مانند عقل، مقایسه میان سال‌ها، مسلمات دانش‌ها، فنون بشری و...، گزارش‌های تاریخی را در بوتۀ بررسی و نقد قرار داده‌اند. یکی از معیارهایی که به تازگی، نظر برخی تاریخ‌نگاران معاصر را در حوزه تاریخ اسلام به خود جلب کرده، باورهای کلامی است. از دیدگاه آنان، هر گزارشی که با باورهای کلامی ناسازگار باشد، ساختگی است. از آن‌جاکه رویکرد به باورهای کلامی در ابتدای راه است، پرسش‌هایی را برانگیخته و گاه نوعی هرج و مرج و نابسامانی را در بهره‌مندی از این معیار فراهم کرده است. در نتیجه، برخی پژوهشگران تاریخ، به بهره‌مندی از این معیار بدین هستند. این نوشتار، تلاش می‌کند ضمن تبیین دیدگاه مخالفان بهره‌مندی از معیار یادشده، موانع و تنگناهای این معیار را روشن سازد؛ هم‌چنین طرح کند دلایل مخالفان را که عمدتاً بر تفاوت میان عقل تاریخی و کلامی مبتنی است. در ادامه، یکی بودن عقل تاریخی و کلامی را تبیین می‌کند و این‌که همه معیارهای نقد تاریخی و از جمله معیار یادشده، به معیار عقل باز می‌گردد؛ در نتیجه، بهره‌مندی از باورهای کلامی در نقد گزارش‌های تاریخی، دیگر با مانعی مواجه نمی‌شود. **کلیدواژه‌ها:** باور کلامی، نقد، گزارش تاریخی، عقلانیت.

درآمد

هر پژوهش تاریخی، بر سه ضلع داده‌ها، تحلیل و نقد استوار است. در این میان، تحلیل رویدادها جایگاه مهمی دارد؛ زیرا جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و نقد و سنجش آن‌ها، همگی به منظور فراهم شدن زمینه بررسی و تحلیل رویدادهاست. به بیان دیگر، همه تلاش‌ها به منظور دستیابی به تحلیل درست و واقعی از رویدادهاست. از سوی دیگر، دستیابی به اطلاعات درست، در گرو ارزیابی و نقد متن و سند گزارش‌های تاریخی است؛ لذا ضرورت نقد و ارزیابی گزارش‌ها به خوبی روشن است. ناگفته نماند از ابتدای تدوین و ثبت و ضبط رویدادهای صدر اسلام، تاریخ‌نگاران مسلمان، به نقد سند و بررسی اسناد گزارش‌ها اهمیت می‌دادند؛ ولی به نقد متن و محتوای گزارش‌ها با صرف نظر از مورخان هم چون مسعودی، ابن خلدون، ابن مسکویه و... توجه چندانی نکردند.

به تازگی، برخی تاریخ‌نویسان و پژوهش‌گران تاریخ اسلام، با به‌کارگیری معیارهایی از قبیل قرآن، احادیث معتبر، عقل و... به نقد محتوایی گزارش‌های تاریخ اسلام پرداخته‌اند. باورهای کلامی معیار دیگری است که نظر برخی از آنان را در این باره به خود جلب کرده و به استفاده از آن اذعان کرده‌اند. (شهیدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ مرتضی‌العاملی، ۱۳۶۹، ص ۶۳-۶۴؛ جهانبخش، ۱۳۸۰، ص ۱۶؛ یوسفی غروی، ۱۳۸۴، ص ۱۶-۱۸) بر این پایه، طرفداران رویکرد مذکور، گزارش‌های تاریخی ناسازگار با باورهای کلامی را نقد محتوایی می‌کنند. از نظر آنان، هر گزارشی که با یکی از باورهای کلامی ناسازگار باشد، ساختگی و مردود تلقی می‌شود؛ برای مثال، گزارش «افسانه غرانیق و تلاوت آیات شیطانی توسط پیامبر ﷺ»، به دلیل تعارض آن با عصمت پیامبر ﷺ کنار گذاشته می‌شود (مرتضی‌العاملی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۶۸؛ صفایی حائری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۴) یا گزارش بی‌وضو نماز خواندن امام علی ﷺ و متوجه شدن او پس از امامت نماز جماعت، به دلیل ناسازگاری آن با عصمت امام ﷺ مطرود شده است. (طوسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۳۳)

باید گفت که رویکرد به باورهای کلامی، به دلیل این‌که در ابتدای راه است، پرسش‌هایی را برانگیخته و گاه نوعی هرج و مرج و نابه‌سامانی در بهره‌مندی از این معیار را فراهم کرده

است؛ لذا این رویکرد، با مخالفت و بدبینی برخی پژوهش‌گران روبه‌رو شده است. اکنون به نظر می‌رسد برخی مسائل، به این بدبینی دامن زده است؛ از جمله تجربه تلخ تاریخ‌نویسی مارکسیست‌ها در ایران، روشن نبودن قلمرو استفاده از معیار مذکور و در نتیجه، استفاده بی‌ضابطه از آن در نقد گزارش‌های تاریخی و اختلاف میان متکلمان در زمینه باورهای کلامی. حال، با صرف نظر از موافقت‌ها و مخالفت‌ها، استفاده از معیار باورهای کلامی، دو پرسش مهم را برانگیخته است:

۱. چرا هنگام تعارض میان باورهای کلامی و گزارش‌های تاریخی، جانب باورها گرفته می‌شود؟

۲. آیا برای حل مسائل تاریخی، به استفاده از مبانی اعتقادی و کلامی مجاز هستیم؟ نگارنده تصور می‌کند دقت در ماهیت و ویژگی گزارش‌های تاریخی (گمان‌آوری) و باورهای مسلم کلامی (یقین‌آوری)، زمینه پاسخ به پرسش اول را فراهم می‌کند؛ هم‌چنین، تأمل در معیار عقل و بازگشت بقیه معیارهای نقد گزارش‌های تاریخی به آن، پاسخ به پرسش دوم را رقم می‌زند. منظور از معیارهای نقد گزارش‌های تاریخی، نقل معتبر و مقایسه سال‌ها و مسلمات دانش‌ها و فنون بشری است.

عقل؛ یگانه معیار نقد گزارش‌های تاریخی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین معیارهایی که پژوهش‌گران تاریخ اسلام در نقد گزارش‌های تاریخی از آن‌ها بهره می‌برند، عبارتند از:

۱. نقل معتبر

مقصود از نقل معتبر که معیار نقد گزارش‌های تاریخ اسلام قرار می‌گیرد، قرآن و احادیث معتبر است. در پژوهش‌های تاریخ اسلام، اگر گزارشی با نقل معتبر ناسازگار بود، کنار گذاشته می‌شود (مرتضی‌العاملی، ۱۳۶۹، ص ۶۳)؛ زیرا - بعد خواهیم گفت که

- گزارش تاریخی به دلیل داشتن ویژگی‌هایی، نمی‌تواند در برابر نقل معتبر ایستادگی کند. در این جا، به نمونه‌ای اشاره می‌کنیم که با استفاده از معیار یادشده نقد گردیده است: در برخی گزارش‌های تاریخی، از غارت و شبیخون زدن سپاهیان اسلام به قبایل مشرک عرب آن هم به فرمان پیامبر ﷺ یاد شده است. (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۱-۴۳۵؛ واقدی، بی تا، ج ۲، ص ۵۷۳-۵۷۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۱۸) این گزارش، در بسیاری از منابع تاریخ اسلام منعکس شده است؛ ولی به دلیل مخالفت با نقل معتبر طرد می‌شود؛ زیرا در قرآن و احادیث معتبر، پیامبر ﷺ، این‌گونه ترسیم شده‌اند: رحمت بودن برای جهانیان، آغاز نکردن به جنگ، شبیخون نزدن و غارت‌گری نکردن. (انبیاء، ۱۰۷؛ ترمذی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۵؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۲۸؛ برای دیدن نقد نمونه‌های دیگر، نک: مرتضی‌العاملی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۱۳۷-۱۳۸، ۱۴۱-۱۴۳، ج ۳، ص ۱۵۹-۱۶۰)

۲. مسلمات دانش‌ها و فنون بشری

معیار دیگری که در نقد گزارش‌ها از آن بهره برده شده، مسلمات فنون و دانش‌های بشری است؛ برای مثال، نقل کرده‌اند که خلیفه اموی، عبدالملک مروان، در بستر مرگ به فرزند و جانشینش گفت: «من در مدینه دو دوست دارم: یکی عبدالله بن جعفر و دیگری ابوبکر بن عبدالرحمان. از تو می‌خواهم پس از من، احوال آن دو را مراعات کنی.» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۶۶، ص ۳۶؛ ابن ابی‌الحدید، بی تا، ج ۱۸، ص ۳۰۲) این گزارش به دو دلیل پذیرفتنی نیست: اول این‌که عبدالله بن جعفر در سال ۸۰ هجری از دنیا رفته و دوم این‌که مرگ عبدالملک مروان در سال ۸۶ هجری رخ داده است. (برای دیدن نمونه‌های دیگر طرد گزارش‌های تاریخی ناسازگار با معیار یادشده، نک: معرفت، ۱۳۷۴، ص ۱۶۴-۱۶۵؛ صالحی نجف آبادی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱-۳۶۷؛ زریاب خویی، بی تا، ص ۶۰-۶۲؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸-۱۱۹)

۳. باورهای کلامی

باورهای کلامی، از معیارهای دیگر نقد تاریخ اسلام به شمار می‌آید و محور رویدادهای آن، شخصیت‌های مقدس است. برخی پژوهش‌گران تاریخ اسلام، هر گزارشی را که با باورهای کلامی ناسازگار است، طرد می‌کنند. (مرتضی‌العاملی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۷۰، ج ۴، ص ۱۱۸؛ صفایی حائری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۴، ج ۳، ص ۸۳) از آنجاکه درباره معیار یادشده، مفصل بحث خواهد شد، نیازی به توضیح بیش‌تر نیست.

۴. عقل

عقل معیار دیگری است که از آن برای نقد گزارش‌های تاریخی، بسیار استفاده می‌شود. برای مثال، برخی گزارش کرده‌اند: عمر بن خطاب، به عمروعاص، فاتح مصر، دستور داد تا کتاب‌های کتابخانه مصر سوزانده شود. عمروعاص هم به دنبال دستور خلیفه، کتاب‌ها را بین چهار هزار حمام تقسیم کرد. حجم کتاب‌ها آن قدر بود که به مدت شش ماه، برای گرم کردن حمام‌های اسکندریه از آن‌ها استفاده کردند. (ابن‌العبری ملطی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۳؛ جرجی‌زیدان، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۳۶-۴۴۵) این گزارش، به دلیل ناسازگاری با عقل پذیرفته نیست؛ زیرا باید آن قدر کتاب وجود داشته باشد که بتوان چهار هزار حمام را در مدت شش ماه با آن گرم کرد. از آنجایی که هنوز صنعت چاپ اختراع نشده بود، آیا این همه کتاب می‌توانست در اسکندریه وجود داشته باشد که کفاف سوخت چهار هزار حمام را بدهد؟ (ابراهیم‌حسن، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۹؛ مطهری، ۱۳۵۹، ص ۳۴۰-۳۴۱)

نکته مهمی که باید بدان توجه کرد، این است که گرچه گزارش‌های تاریخی با معیارهای مختلف بررسی و نقد می‌شوند، بنیان تمام این معیارها عقل است؛ زیرا عقل بر اساس داده‌ها و اطلاعاتی که در اختیار دارد، ابتدا به سنجش روی می‌آورد و سرانجام، حکم خود را صادر می‌کند. بنابراین، عقل را به عنوان یگانه معیار در نقد گزارش‌های تاریخی می‌توان مطرح کرد. به سخن دیگر، اطلاعات و داده‌های قرآنی، حدیثی، کلامی، فقهی، تجربی و...

همگی در اختیار عقل قرار می‌گیرند؛ سپس، عقل براساس داده‌ها، به سنجش و داوری رو می‌آورد و هنگام مشاهده سازگاری و یا ناسازگاری میان داده‌ها حکم خود را صادر می‌کند و احتمالاً موسوم شدن هریک از معیارها به نامی خاص، به دلیل همان داده‌ها و اطلاعاتی است که در اختیار عقل قرار می‌گیرد. به بیان سوم، عقل در حوزه تاریخ، به خودی خود، هیچ حکم و داوری نمی‌کند و تنها بر اساس داده‌ها و اطلاعاتی که در اختیارش قرار می‌گیرد، به سنجش و داوری می‌پردازد.

تعریف باورهای کلامی

از تعبیر باورهای کلامی در فرهنگ‌نامه‌ها خبری نیست؛ ولی با تأمل و دقت در کاربردهای آن، باورهای کلامی را چنین می‌توان تعریف کرد:

«باورهای کلامی به آن دسته از باورهایی اطلاق می‌شود که باورمند به آن یقین داشته باشد و خاستگاه آن، عقل و نقل معتبر یا خوش‌گمانی است». ضمناً باورهای کلامی، به ساحت فکر و اندیشه تعلق دارند؛ نه به ساحت اعمال و مناسک. باورهایی هم چون عصمت پیامبر، علم امام، تحریف‌ناپذیری قرآن، عدالت صحابه و... از این قبیل هستند.

منابع باورهای کلامی

از آن‌جا که باورهای کلامی به لحاظ منبع، در یک سطح نیستند، برخی از آن‌ها بسیار مستحکم هستند و برخی این ویژگی را ندارند. حال، به نظر می‌رسد منبع و سرچشمه باورهای کلامی از این قرار باشد:

۱. **عقل**: دانشمندان علم لغت، عقل را به معنای منع و جلوگیری کردن دانسته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۵۸)؛ ولی مقصود از عقل در تاریخ که چندان از معنای فوق بیگانه نیست، همان نیروی خدادادی است که انسان‌ها به واسطه آن، درست را از نادرست تشخیص می‌دهند. حال گاهی عقل، منشأ برخی از باورهای کلامی است؛ مثل یگانگی خداوند متعال،

عصمت نبی و... (علامه حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۰ و ۳۴۹؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱-۱۵۴ و ۲۴۵) به بیان دیگر، برای هر یک از باورهای مذکور، دلیل عقلی اقامه شده است.

۲. **نقل معتبر:** مقصود از نقل معتبر، قرآن و احادیث صحیح است که همه مسلمانان بر اعتبار آن دو، اتفاق نظر دارند. گاه منبع و منشأ برخی باورهای کلامی، نقل معتبر است؛ مثل عصمت پیامبر ﷺ، خلافت بلافضل امیرمؤمنان علی ﷺ، دانایی امام ﷺ و... (صدوق، ۱۳۷۱، ص ۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۸-۱۴۴؛ امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۱ و ۱۶۵؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۶۷-۳۷۲؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰، ص ۳۳۵-۳۴۲؛ مظفر، ۱۳۸۵، ص ۶۳-۷۶)

۳. **خوش بینی به برخی افراد:** گاه منشأ باور کلامی، خوش بین بودن بیش از حد به برخی اشخاص است که این نگرش گاه در اثر حوادثی ایجاد می‌شود که در جامعه رخ داده است. پیروزی‌ها و اقدام‌های حاکمان در این باره نقش مهمی ایفا کرده و به بازتولید باور کلامی هم چون «عدالت صحابه» انجامیده است. (نک: حسن بگی، ۱۳۸۲)

گاه منشأ خوش بینی به افراد، متأثر شدن از نحله‌ها و ادیان دیگر است؛ همان‌طور که در اعتقاد برخی از اشخاص درباره جاودانگی امام علی ﷺ، محمد حنیفه، امام حسین ﷺ و... چنین تأثیری از سوی یهودیان و مسیحیان ملاحظه می‌شود. (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۴، ص ۹۸-۹۹؛ طوسی، ۱۳۴۸، ص ۳۱۶؛ کتاب مقدس، ۱۹۲۰م، سفر خروج، ص ۱۳ و ۲۱؛ صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۳) در هر صورت، باورهای کلامی آن هم با منشأ مذکور از سوی طرفداران بهره‌مندی از باورهای کلامی، در نقد گزارش‌های تاریخی هم پذیرفته نشده است. (مرتضی‌العاملی، ۱۳۶۹، ص ۶۴) ناگفته نماند توجه به این بحث، از آن نظر ضروری است که در نقد گزارش‌های تاریخی، آن دسته از باورهای کلامی معیار قرار می‌گیرند که پشتوانه محکمی داشته باشند؛ به سخن دیگر، باوری معیار قرار می‌گیرد که به لحاظ منبع، نصاب بالایی داشته باشد تا بتواند بر گزارش تاریخی که گمان آور است، ترجیح یابد.

اقسام باورهای کلامی

به دلیل تنوع باورهای کلامی، لازم است پژوهش‌گر در نقد گزارش‌ها، به انواع آن توجه کند؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردیم، هر باور کلامی توان برابری با گزارش تاریخی را ندارد. حال با بررسی در کتاب‌های تاریخی، کلامی و حدیثی، باورهای کلامی را به دو قسم می‌توان تقسیم کرد:

۱. باورهای کلامی مسلم، هم‌چون وجود خداوند، عصمت پیامبر ﷺ، علم امام و... (علامه حلی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۸۰ و ۳۴۹؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱-۱۵۴ و ۲۴۵؛ مظفر، ۱۳۸۵، ص ۶۳-۷۶)؛

۲. باورهای کلامی غیرمسلم یا خاص، هم‌چون عصمت حضرت علی اکبر و عصمت نواب اربعه و... (استادی، ۱۳۷۹، ص ۳۷؛ سنقری حائری، ۱۳۸۱، ص ۵۹ و ۶۸؛ سیستانی، بی‌تا، ص ۶۴۷)

به بیان دیگر، باورهای کلامی به دو دسته تقسیم می‌شوند: برخی از این باورها به‌گونه‌ای است که همه یا بیش‌تر کارشناسان و متکلمان دینی بر درستی آن توافق دارند و برخی از آن‌ها را غیرمتخصصان مسائل دینی یا برخی متکلمان مطرح کرده‌اند. حال در نقد گزارش‌های تاریخی، آن باور کلامی معیار قرار می‌گیرد که همه یا بیشتر متکلمان بر درستی آن توافق داشته باشند یا اگر برخی از متکلمان مطرح کرده‌اند، باید به‌گونه‌ای، از اتقان کافی برخوردار باشد.

قلمرو باورهای کلامی در نقد گزارش‌های تاریخی

با این توضیحات، روشن شد که هر باور کلامی، زمانی معیار نقد قرار می‌گیرد که از اتقان کافی و هم‌چنین توافق متکلمان بر درستی آن برخوردار باشد. حال آیا در نقد هر گزارش تاریخی، از این معیار استفاده می‌شود؟ یا قلمرو بهره‌مندی از باور کلامی محدودیت خاصی دارد؟ به نظر می‌رسد برای تبیین قلمرو باورهای کلامی در نقد گزارش‌های تاریخی، لازم است به تنوع و گونه‌های گزارش تاریخی توجه کنیم که در ادامه بدان می‌پردازیم:

۱. برخی از گزارش‌های تاریخی، به گونه‌ای است که عقل از پذیرش آن‌ها خودداری می‌کند؛ مثل این‌که نوشته‌اند در کربلا، دو تن از اطفال جعفر بن ابی طالب به شهادت رسیدند. (خوارزمی، بی تا، ج ۲، ص ۴۸) این گزارش، به دلیل مخالفت آن با عقل پذیرفتنی نیست؛ زیرا از سوی جعفر بن ابی طالب در سال هشتم هجری به شهادت رسیده؛ (ابن هشام، بی تا، ج ۴، ص ۱۵) از سوی دیگر، حادثه کربلا در سال ۶۱ هجری رخ داده است. (طبری، بی تا، ج ۴، ص ۱۵) با این اوصاف، معقول نیست که ایشان در حادثه کربلا، فرزندان آن هم در سن طفولیت داشته باشند.

۲. گزارش‌هایی که عقل از پذیرش آن‌ها خودداری نمی‌کند؛ هم چون بسیاری از گزارش‌های تاریخی.

۳. گزارش‌هایی که عقل آدمی از جنبه بشری می‌پذیرد؛ ولی شخص باورمند با ملاحظه ویژگی‌هایی هم چون عصمت و عدالت صحابه و علم غیب شخص مقدس، از پذیرش آن‌ها سرباز می‌زند. افسانه غرانیق (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۳۹) و خواستگاری امام علی علیه السلام از دختر ابوجهل و مخالفت پیامبر صلی الله علیه و آله با این اقدام (مسلم، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۷۱) و سخن معاویه در جواب نامه محمد بن ابی بکر درباره ستاندن حق حضرت علی علیه السلام از سوی ابوبکر و عمر (بلادری، ۱۴۱۶ق، ص ۳۰۱؛ مسعودی، ۱۳۵۸ق، ج ۳، ص ۱۲) را نمونه‌هایی برای قسم اخیر می‌توان برشمرد؛ زیرا گزارش اول با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در تبلیغ وحی متعارض است. دومی نیز با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله سازگار نیست؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله با جواز تعدد زوجات که از سوی خداوند روا داشته شده است، مخالفت نمی‌کردند. سومی هم به دلیل مخالفت با عدالت صحابه کنار گذاشته می‌شود.

نکته در خور توجه این‌که بحث تعارض میان باورهای کلامی و گزارش‌های تاریخی، مربوط به قسم اخیر است و پژوهش‌گر، گزارش‌های قسم اخیر را با باورهای کلامی نقد می‌کند. تاکنون مشخص شد که باورهایی معیار نقد قرار می‌گیرند که از اتقان کافی و توافق متکلمان بر درستی آن‌ها برخوردارند. هم‌چنین پژوهش‌گر، از معیار مذکور در نقد گزارش

تاریخی قسم اخیر بهره می‌برد؛ لذا این‌گونه نیست که در نقد انواع گزارش‌های تاریخی، از باورهای کلامی استفاده شده و نقد تاریخ، کلام محور تلقی شود. حال پرسش این است که چرا در هنگام تعارض میان باورهای کلامی و قسم اخیر گزارش‌های تاریخی، جانب باورهای کلامی گرفته می‌شود؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش، در دقت و تأمل در ویژگی گزارش‌های تاریخی نهفته است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

ویژگی گزارش‌های تاریخی

بسیاری از گزارش‌های تاریخی دو ویژگی مهم دارند:

۱. حوادث تاریخی آن‌گونه که رخ داده، گزارش نشده است؛ زیرا گزارش‌گران، انسان‌ها هستند و انسان‌ها، گرایش‌های مذهبی و سیاسی و قومی متفاوت دارند. بر این اساس، اصولاً حوادث را آن‌گونه گزارش می‌کنند، که گرایش آن‌ها اقتضا می‌کند. (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۵، والش، ۱۳۶۳، ص ۲۲ و ۱۱۰-۱۱۲)

۲. در بسیاری از مواقع به عللی، میان وقوع حادثه و ثبت و ضبط آن فاصله افتاده است؛ برای مثال، از زمان وقوع رویدادهای صدر اسلام که اتفاقاً محور آن‌ها، شخصیت‌های مقدس پیامبر ﷺ و امام ﷺ و صحابه است، تا زمان ثبت و ضبط آن‌ها، نزدیک به صد سال فاصله افتاده (ابن سعد، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۴۲۷؛ ابن‌بکّار، ۱۳۷۴، ص ۳۳۲؛ صدر، بی‌تا، ص ۲۳۴) و روشن است که این فاصله و گسست، تأثیر خاص خود را بر جای می‌گذارد؛ اعم از کم و زیاد شدن و جعل یا فراموشی حوادث.

با توجه به این دو ویژگی، روشن شد که گزارش‌های تاریخی گمان‌آورند؛ اما همان‌طور که اشاره کردیم، باورهای کلامی یقین‌آورند. لذا برخی پژوهش‌گران، در صورت تعارض میان گزارش‌های تاریخی با باورهای کلامی، جانب باور کلامی را گرفته‌اند و هیچ خردمندی یقین خود را فدای گمان نمی‌کند. (شهیدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ مرتضی‌العاملی، ۱۳۶۹، ص ۶۴)

زمینه‌های بدینی در استفاده از باورهای کلامی

برخی پژوهش‌گران تاریخ اسلام، با استفاده از باورهای کلامی در نقد گزارش‌های تاریخی موافق جدی هستند؛ ولی برخی دیگر با ذکر دلایلی، به مخالفت با این رویکرد برخاسته‌اند. (اسماعیلی و قادری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۱۴، ج ۲، ص ۱۲۰۳؛ حضرتی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷) یادآوری این نکته ضروری است که قبل از ذکر دلایل مخالفان، باید ابتدا به زمینه‌های مخالفت با رویکرد یادشده پردازیم تا روشن شود آیا مخالفت‌ها، مبتنی بر دلایل است یا یک‌سری زمینه‌ها سبب مخالفت‌ها شده است. به سخن دیگر، بحث زمینه‌های بدینی روشن می‌کند که مخالفت‌ها مغلل هستند یا مدلل. اکنون به نظر می‌رسد که زمینه‌های بدینی و مخالفت با رویکرد یادشده عبارتند از:

۱. روشن نبودن مرز برخی از باورهای کلامی

گرچه عالمان و متکلمان بر بسیاری از کلیات باورهای کلامی اتفاق دارند، همواره درباره حد و مرز برخی از باورهای کلامی در میان آنان اختلاف بوده است؛ برای مثال، همه متکلمان مسلمان، بر اصل باور کلامی عصمت پیامبر^ص اتفاق دارند؛ ولی درباره قلمرو آن، اختلاف بسیاری مشاهده می‌کنیم. از میان مسلمانان، امامیه پیامبر^ص را معصوم از گناهان صغیره و کبیره، چه قبل از بعثت و چه بعد از آن می‌دانند؛ ولی معتزله، ارتکاب گناهان صغیره چه قبل از بعثت و چه بعد از آن را روا می‌دانند. (سیدمرتضی، ۱۳۷۷، ص ۲۴-۲۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۱۵۹) در میان امامی‌مذهب‌ان نیز گرچه عصمت نبی و امام و میرا بودن او از خطا مشهور است (فاضل، مقداد، ۱۳۸۰، ص ۳۲۳ و ۲۴۵؛ مظفر، بی‌تا، ص ۵۳-۵۴)، برخی هم چون ابن‌الولید، صدوق و علامه شوشتری، به سهو نبی معتقد بوده‌اند. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۳؛ شوشتری، ۱۴۲۵، ق، انتهای ج ۱۲)

از مراجع معاصر هم مرحوم آیت‌الله خویی معتقد بودند که سهو پیامبر در غیر از تبلیغ وحی ممتنع نیست. (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۶۲) ناگفته نماند که برخی از دانشمندان شیعه، دامنه عصمت را گسترده کرده و آن را به غیر از چهارده معصوم، یعنی به اشخاصی هم چون حضرت علی‌اکبر، حضرت زینب، ام‌کلثوم، سکینه و نواب اربعه تسری داده‌اند. (استادی، ۱۳۷۹، ص ۳۷؛ سنقری حائری، ۱۳۸۱، ص ۵۹ و ۶۸؛ سیستانی، بی‌تا، ص ۶۴۷) علاوه بر مسأله عصمت، عالمان و متکلمان شیعی مذهب درباره کلیات علم امام توافق داشته‌اند؛ ولی در جزئیات آن همواره اختلاف بوده است. برخی هم چون ابن‌قبه و فضل‌بن‌شاذان، معتقد بودند که امامان علیهم‌السلام صرفاً به شریعت عالم بوده‌اند. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۷؛ طوسی، ۱۳۴۸، ص ۵۴۰) در عین حال، عالمان دیگری هم چون سیدعبدالحسین لاری، آخوند خراسانی و... معتقد بودند که امام علیهم‌السلام علاوه بر داشتن علم به شریعت، از علم غیب نیز بهره‌مند است. (لاری، ۱۳۶۴، ص ۲۵؛ خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۳)

اکنون روشن نبودن حد و مرز برخی از باورها، سبب شده گاه عالمی گزارشی را طرد کند (مرتضی‌العاملی، ۴۰۰ق، ج ۳، ص ۱۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۹، ص ۳۱۰) و همان گزارش را عالم دیگری بپذیرد. (تستری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۷۰ و ج ۱۲، ص ۱۰۸؛ سبحانی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۱۲) این رد و قبول، سبب شده است که احتمالاً این بدبینی به وجود آید که باورهای کلامی، فاقد اتقان کافی است و ورود آن به عرصه نقد تاریخ، به هرج و مرج در این باره دامن می‌زند. با این اوصاف، به رغم رویکردهای گوناگون عالمان به باورهای یادشده و وجود اختلافات، یک نقطه اشتراک دیده می‌شود و آن، معیار قرار دادن باور کلامی در نقد گزارش تاریخی است. به بیان دیگر، همیشه هنگام تعارض میان باورهای کلامی و گزارش‌های تاریخی، جانب باورهای کلامی ترجیح داده شده؛ در نتیجه، گزارش تاریخی طرد گردیده است.

۲. تعمیم تلقی خود به دیگران

تسری دادن باور کلامی خویش به دیگران، عامل دیگر بدبینی در استفاده از باورهای کلامی در نقد گزارش‌های تاریخی است؛ مثلاً درباره هدف امام حسین علیه السلام از قیام خود، تحلیل‌های مختلفی صورت گرفته است: برخی گفته‌اند هدف ایشان، تشکیل حکومت اسلامی بوده است. (صالحی نجف‌آبادی، بی‌تا، ص ۳۸۸-۳۹۱؛ ۱۳۸۴، ۷۲-۷۳) حال از آن‌جاکه نویسنده کتاب *سالار شهیدان* با این تحلیل موافق نیست، درباره نامه امام حسین علیه السلام به کوفیان (بلاذری، ۱۴۱۹ق، ص ۱۷۳؛ طبری، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۹۵) که از آن، تحلیل پیش‌گفته استشمام می‌شود، چنین می‌نویسد:

«چون این نامه امام نقل تاریخی است و شرایط حجیت در آن موجود نیست و از طرفی، با اعتقادات شیعه مخالف است و از این جهت، باید آن را به دیوار زد». (فهری زنجانی، بی‌تا، ص ۲۱۸-۲۱۹)

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این نویسنده باور خود را به همه شیعیان نسبت داده و براساس آن، گزارش تاریخی را به نقد کشانده است.

۳. سیطره تفکر پوزیتیویستی

تاریخ‌نگاری پوزیتیویستی (اثبات‌گرا)، بر آن بود که علم بودن تاریخ در گرو استفاده بی‌چون و چرا از روش‌های علوم تجربی است. در تصور آنان، ذهن تاریخ‌نگار هم‌چون آینه‌ای است که می‌تواند همه چیز را آن‌گونه که اتفاق افتاده است، منعکس کند. در این میان، فون رانکه، مورخ آلمانی، بیش‌ترین تأثیر را گذاشته است. او معتقد بود باید حوادث را دور از هرگونه تعصب و پیش‌داوری، همان‌گونه که در واقع چنان بوده است، توصیف کرد. (اسماعیلی و قادری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۹۹۱-۹۹۳؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۲، ص ۱۹۵) الزهاوی، فیلسوف و تاریخ‌نویس عراقی هم احتمالاً از رانکه تأثیر گرفته؛ زیرا او تاریخ را عبارت از بیان حوادث و وقایع - آن‌طور که اتفاق افتاده است - می‌داند. (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵،

ص ۳۳) بنابر این دیدگاه، چون گزارش‌گر، حوادث را آن‌گونه که رخ داده، گزارش کرده است، در نقد آن نباید از باورهای کلامی بهره بُرد.

به نظر می‌رسد به رغم تعمیق دیدگاه یادشده در میان بسیاری از دانش‌وران تاریخ در ایران و برخی از کشورهای اسلامی، به چند دلیل، چنین تصویری از تاریخ و کلام درست نیست:

اول این‌که؛ مقایسهٔ تاریخ با علوم تجربی، قیاسی مع‌الفارق است؛

دوم این‌که؛ ذهن انسان پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و اصولاً شدنی نیست که تاریخ‌نگار، حوادث را آن‌گونه که رخ داده است، گزارش کند؛ زیرا هیچ گزارش‌گری از باورهای خود رهایی نیافته است. پیش‌تر نیز در بحث ویژگی گزارش‌های تاریخی، به این مطلب اشاره کردیم.

سوم این‌که؛ توقع راست‌گویی در تاریخ، مطلبی است و بی‌نظری مقولهٔ دیگر؛ یعنی اولی شدنی است و دومی ممکن نیست؛ گرچه برخی میان این دو خلط کرده‌اند و هر دو را از تاریخ‌نویس خواسته‌اند.

۴. باورهای کلامی؛ مانعی مهم در برابر نقد

برخی هم معتقدند، باورهای کلامی یکی از موانع نقد در حوزهٔ تاریخ است. یکی از صاحب‌نظران در این باره، چنین می‌گوید: «وقتی روایت تاریخ از یک خاستگاه مقدس آغاز می‌شود، در بطن خود، نوعی امتناع نسبت به نقد تاریخی دارد». (اسماعیلی و قادری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۱۴)

نگارنده تصور می‌کند که توجه به منشأ باورهای کلامی، این مشکل را برطرف می‌سازد؛ زیرا پژوهش‌گر هنگام نقد گزارش تاریخی معارض با باورهای کلامی، با یک واسطه، تاریخ را با تکیه بر عقل، نقد می‌کند؛ زیرا ریشهٔ باور مسلم کلامی، عقل یا نقل معتبر است و همان‌گونه که قبلاً گفته شد، نقل معتبر و مسلمات دانش‌های بشری و هم‌چنین

مسلمات باورهای کلامی در واقع، مواد خام برای ارزیابی و نقد عقل هستند. از سوی دیگر، باورهای کلامی، پژوهش‌گر را به تکاپوی بیش‌تر و می‌دارد؛ برای مثال، باور کلامی پژوهش‌گری هم‌چون جعفر مرتضی‌العاملی، مشروعیت نداشتن حکومت خلفا، یعنی ابوبکر و عمر و عثمان است. در نتیجه، ایشان اعتقاد دارد که امام علی علیه السلام فتوحات آن دوره را تأیید نکرده‌اند. حال با چنین دیدگاهی و با جمع‌آوری قراین و شواهد تاریخی، گزارش‌های تاریخی حضور حسنین علیهم السلام در فتوحات را به نقد می‌کشد. (جعفر مرتضی‌العاملی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۴) لذا چنین نیست که همیشه باورهای کلامی سدی در برابر نقد گزارش‌های تاریخی باشد.

۵. خلط میان باورهای مسلم کلامی و باورهای غیرمستند

برخی از عالمان، گاه گزارشی را بر اساس باور کلامی غیرمستند (باورهای کلامی غیرمسلم)، به نقد می‌کشند؛ چنان‌که گزارش مسموم شدن امام حسن علیه السلام به دست معاویه، با تکیه بر باور کلامی (عدالت صحابه) در معرض نقد واقع شده است (ابن خلدون، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۱۸۷)، بی‌آن‌که توجه شود که آیا این باور کلامی استحکام کافی دارد یا خیر.

۶. تاریخ‌نگاری در قالب باورها

صیانت از باورهای کلامی، عده‌ای را به تاریخ‌نگاری در چارچوب باورهای کلامی کشانده است. تاریخ‌نگاری برخی از مسلمانان، مصداقی از عنوان فوق است. در ادامه، به برخی از نمونه‌های چنین تاریخ‌نگاری اشاره می‌کنیم:

گاه برخی از تاریخ‌نویسان مسلمان و برخی از نحله‌های اسلامی، به منظور صیانت از باورهای کلامی مثل عدالت صحابه، جاودانه بودن امام و...، به کتمان حقیقت روی آورده‌اند؛ چنان‌که ابن هشام در مقدمه کتاب خویش، آشکارا می‌نویسد: «در این کتاب، از آوردن لغزش‌های صحابه خودداری شده است» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴؛ زریاب خوبی،

بی‌تا، ص ۹۶)؛ لذا نام یکی از صحابه را که در هنگام ساختن مسجدالنبی با عمار یاسر مشاجره کرد، به میان نیاورده است. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ نک: طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۴؛ واقدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۲) گاهی هم وقایع مشهور تاریخی در معرض انکار واقع می‌شود؛ چنان‌که ابن خلدون - چنان‌که گفته شد - دخالت معاویه در به شهادت رساندن امام حسن مجتبی علیه السلام را به طور کلی انکار می‌کند (ابن خلدون، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۱۸۷) یا غالبان شیعه به دلیل اعتقاد به آن‌که امام در این دنیا جاودانه است، شهادت امام حسین علیه السلام را انکار کرده‌اند. (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳) حتی برخی برای صیانت از باورهای خود، به خلق شخصیتی مشابه شخص تاریخی روی آورده‌اند؛ چنان‌که سیوطی به دلیل تطهیر طلحه بن عبیدالله از این‌که گفته بود در صورت فوت پیامبر صلی الله علیه و آله ما با همسران او ازدواج می‌کنیم، می‌گوید: طلحه بن عبیدالله که از «عشیره میشره» بوده، گوینده این سخن نیست؛ بلکه گوینده آن سخن، طلحه بن عبیدالله دیگری است». (حلبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۴) در واقع، از منظر وی میان این دو شخصیت تشابه اسمی است.

برخی هم به اعمال سلیقه روی آورده و از نقلِ نصوصِ مخالفِ باورهای خویش خودداری ورزیده‌اند. چنین اتفاقی در نقل و ترجمه نامه امام حسین علیه السلام به اهالی بصره دیده می‌شود. امام به اهالی بصره چنین نوشتند:

اما بعد، خداوند محمد صلی الله علیه و آله را از میان مردم برگزید. ما خاندان او شایسته‌ترین افراد نسبت به مقام او از میان تمام مردم بودیم؛ ولی عده‌ای بر ما سبقت جستند و این حق را از ما گرفتند و ما می‌دانیم سزاوارترین افراد هستیم نسبت به حکومت از کسانی که حاکم شدند. آن‌هایی که کار نیک کردند و اصلاح نمودند و حق را ملاک قرار دادند، خداوند آن‌ها را رحمت کند! (طبری، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۳۷۵)

در این جا، نویسنده کتاب سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، نامه امام را در کتاب خود نقل کرده، ولی به جملات «و قد احسنوا و اصلحوا و تحروا الحق» هیچ اشاره‌ای نکرده

و آن را کاملاً حذف کرده است. (نجمی، ۱۳۶۴، ص ۵۴) هم‌چنین مرحوم صالحی نجف‌آبادی از آوردن آن قسمت خودداری کرده است. (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۸، ص ۴۳-۴۴)

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، با وجود تکرر واکنش‌های نویسندگان، همگی در یک نقطه اشتراک دارند و آن، ترجیح جانب باور اعتقادی بر گزارش تاریخی است. خلاصه در این تاریخ‌نگاری، تاریخ صرفاً ابزاری است برای اثبات باورهای خود و به‌قول شادروان عباس اقبال، برخی تاریخ را صرفاً برای اثبات منظورهای خود، آن هم به‌عنوان شاهد ذکر کرده‌اند. (فصیحی، ۱۳۷۲، ص ۲۴۸) ناگفته نماند نقد گزارش‌های تاریخی بر اساس باورهای کلامی، بدین‌گونه است که گزارش‌های تاریخی را با معیار یادشده ارزیابی می‌کند؛ ولی این‌گونه نیست که درستی این معیار را از طریق گزارش‌های تاریخی استنباط کرده باشد؛ بلکه درستی آن در جای دیگر اثبات شده است.

دلایل مخالفان استفاده از معیار ترجیح باور کلامی بر گزارش تاریخی

پژوهش‌گران مخالف با استفاده از باورهای کلامی در نقد گزارش‌های تاریخی، تلاش کرده‌اند با استناد به دو دلیل، مخالفت خود را موجه کنند که در ادامه، به آن دو دلیل اشاره می‌کنیم:

۱. تفاوت میان روش‌های علوم

برخی معتقدند، از آن‌جا که تاریخ و کلام به دو ساحت مختلف متعلق هستند، اثبات مدعاهای هر یک، روش خاص خود را می‌طلبد. یکی از نویسندگان در این باره چنین اظهار می‌کند:

تاریخ را باید با تاریخ نقد کرد؛ چراکه با روش‌های کلامی نمی‌توان دعاوی تاریخی را نقد کرد. ما حق نداریم برای حل مسائل تاریخی، از مبانی کلامی

استفاده کنیم؛ زیرا در این صورت، به همان معضل و بن‌بستی گرفتار می‌شویم که مارکسیست ایدئولوژیک شد. به عبارت دیگر، در این شیوه، مورخ به جای این‌که از سیستم استدلالی دستگاه تاریخ استفاده کند، از سیستم استدلالی دستگاه کلامی استفاده می‌کند. (حسن حضرتی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷؛ اسماعیلی و

قادری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۲۰۳)

در پاسخ این مطلب باید بگوییم که به نظر می‌رسد ریشه‌ی این ادعا، جزیره‌انگاری دانش‌ها و به‌ویژه، علوم انسانی باشد. این‌که هر یک از دانش‌ها روش اختصاصی خود را دارند، غیر از این است که برای اثبات دعاوی خود از روش‌های مشترک بهره نبرند. ضمناً همان‌طور که در بحث منابع باورهای کلامی گذشت، منبع باورهای گفته شده یا عقل است یا نقل معتبر. آن باور کلامی که عقل و نقل یا یکی از این دو، آن را پشتیبانی کند، معیار نقد قرار می‌گیرد؛ لذا در این بحث، مجالی برای باورهای غیرمستند و شخصی به‌عنوان معیار نقد نیست. در نتیجه، قلمرو استفاده از این معیار در نقد، گزارش‌هایی است که بیان‌گر حوادثی آن هم با محوریت شخصیت‌های مقدس است؛ بنابراین، خودبه‌خود، استفاده از این معیار در نقد گزارش‌ها بسیار محدود خواهد بود.

بر این اساس، این‌گونه نیست که باورهای کلامی، تولیدکننده گزارش تاریخی باشد؛ بلکه گزارش تاریخی با صرف‌نظر از باور کلامی، در اختیار پژوهش‌گر قرار گرفته است؛ ولی وقتی با باورهای کلامی تعارض پیدا کرد، در جهت راست‌آزمایی، با باورهای مسلم کلامی محک می‌خورد. در این صورت، این گزارش در واقع بر عقل یا نقل معتبر عرضه شده است؛ چنان‌که گزارش تاریخی محض (گزارش‌های غیرمرتبط با اشخاص مقدس) نیز در مقام راست‌آزمایی، بر عقل و گزارش‌های دیگر عرضه می‌شود. اکنون به نظر می‌رسد با این توضیح، نقد تاریخ بر اساس باورهای کلامی، با معضل و بن‌بست مارکسیست ایدئولوژیک ارتباط نخواهد داشت؛ زیرا همان‌گونه که گفتیم، اولاً باورهایی معیار نقد قرار می‌گیرند که همه یا بیش‌تر متکلمان بر آن توافق دارند؛ ثانیاً چنین باورهایی از عقل یا نقل معتبر سرچشمه می‌گیرند؛ نه این‌که باورهای خیالی و بی‌پایه، اساس نقد قرار گیرند.

۲. تفاوت عقلانیت تاریخی با کلامی

برخی معتقدند که میان عقلانیت تاریخی با عقلانیت کلامی تفاوت است. به سخن دیگر، عقل در تاریخ و کلام دو معنای متفاوت از یکدیگر دارند. نویسنده‌ای در این باره چنین می‌گوید:

عقلانیت تاریخی با عقلانیت کلامی متفاوت است؛ چراکه میان عقلانیت تاریخی و عقلانیت محض تفاوت وجود دارد؛ یعنی ممکن است چیزی با عقل نظری صحیح باشد؛ اما با عقلانیت تاریخی صحیح نباشد؛ مثلاً حضور چهارصد هزار سپاهی در بیابان سینا با عقل مجرد تناقض ندارد؛ یعنی عقلاً محال نیست؛ اما وقتی به این عقل، قید تاریخی می‌زنیم، عقلانیت تاریخی حکم به امتناع و محال بودن چنین امری می‌کند. (حسن حضرتی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷ و ۱۷۳)

پاسخ این مطلب این است که به نظر می‌رسد به دو دلیل، تفاوت میان عقلانیت تاریخی با عقلانیت کلامی مبنای درستی ندارد:

دلیل اول، در هر دو، سخن از امکان وقوعی است. وقتی در علم کلام می‌گوییم پیامبر ﷺ به لحاظ عقل، معصیت نمی‌کند، یعنی از آن حضرت معصیت واقع نمی‌شود (امکان وقوعی)؛ نه این که خواسته باشیم امکان ذاتی معصیت را از ایشان نفی کرده باشیم. همین‌طور در تاریخ، اگر می‌گوییم که به لحاظ عقل درست نیست در زمان حضرت موسی ﷺ چهارصد یا ششصد هزار سپاهی در بیابان سینا حاضر شده باشند، یعنی این امر امکان وقوعی ندارد. در این جا هم امکان ذاتی نفی نشده است.

دلیل دوم که لازم است به آن توجه شود و پیش‌تر به آن اشاره کردیم، این است که وقتی پژوهش‌گر گزارشی را بر اساس نقل معتبر (قرآن و احادیث معتبر) و مقایسه سال‌ها و یافته‌های دانش بشری نقد می‌کند، در واقع، گزارش را با معیار عقل نقد می‌نماید؛ زیرا نقل معتبر و مقایسه سال‌ها و یافته‌های دانش بشری، همگی به منزله مواد خامی هستند که در

اختیار عقل سنجشی، یعنی عقلی که با سنجش اطلاعات، به داوری میان آن‌ها می‌پردازد، قرار گرفته است و عقل پس از سنجش میان داده‌ها و دیدن سازگاری یا ناسازگاری میان آن‌ها، به داوری و حکم روی می‌آورد. به بیان دیگر، تفاوتی میان این‌که گزارشی بر اساس مسلمات یافته‌های دانش بشری نقد شود - که مقبول همه پژوهش‌گران تاریخ است - با نقد گزارش‌ها بر اساس مسلمات کلامی نیست. خلاصه، کار عقل، سنجش میان اطلاعات و داده‌هایی است که در اختیارش قرار می‌گیرد؛ بر این اساس، هیچ تفاوتی میان عقلانیت کلامی با عقلانیت تاریخی وجود ندارد.

نتیجه

- هنگام تعارض بین باورهای کلامی و گزارش‌های تاریخی، مشروط به رعایت دو شرط، جانب باورهای کلامی گرفته می‌شود. این دو شرط عبارتند از: نخست، اکثر متکلمان بر درستی آن باور کلامی توافق داشته باشند؛ دوم، میان باورهای کلامی مستحکم و باورهای کلامی که عواطف و خوش‌بینی به اشخاص آن را پشتیبانی می‌کند، تفکیک کرد. به بیان دیگر، میان باورهای یقینی و ظنی تفاوت است. اما در پاسخ به این‌که چرا هنگام وجود تعارض، جانب گزارش تاریخی گرفته نمی‌شود، باید گفت به نظر می‌رسد طرد گزارش تاریخی به دو دلیل است:

اولاً؛ گزارش‌های تاریخی به علت داشتن دو ویژگی مهم، در بیش‌تر مواقع ظن‌آور هستند. این دو ویژگی عبارتند از: ۱. گزارش‌گران حوادث، انسان‌ها هستند و انسان‌ها گرایش‌های خاصی دارند که این گرایش‌ها بر آن‌ها در گزارش حادثه تأثیر می‌گذارد؛ ۲. میان وقوع حوادث و ثبت و ضبط آن فاصله زمانی است.

ثانیاً؛ باورهای کلامی‌ای یقین‌آورند که منشأ آن‌ها عقل یا نقل معتبر یا هر دو باشد و نیز بیش‌تر متکلمان بر آن توافق داشته باشند. هیچ خردمندی یقین خود را فدای ظن نمی‌کند.

ناگفته نماند قلمرو استفاده از معیار یادشده در همه گزارش‌های تاریخی وجود ندارد؛ بلکه ما صرفاً یک نوع گزارش را در صورت تعارض با این معیار طرد می‌کنیم و آن گزارشی

است که محور آن شخصیت‌های مقدس باشد. درحقیقت، چنین گزارشی با همان روش‌های نقد در تاریخ طرد می‌شود. اکنون با توجه به این توضیحات، جایی برای بدبینی درمورد استفاده از این معیار نمی‌ماند.

- در نقد گزارش‌های تاریخی، در واقع، با معیار عقل سروکار داریم؛ زیرا نقل معتبر و مقایسه سال‌ها و مسلمات یافته‌های دانش بشری اعم از ریاضیات، فقه، جامعه‌شناسی و ...، همگی به‌عنوان مواد خام، در اختیار عقل سنجشی قرار می‌گیرند و عقل تفاوتی نمی‌بیند که مواد سنجش، مسلمات ریاضیات، فقه، جامعه‌شناسی و ... باشد یا مسلمات کلام.

- در پایان، تصور نگارنده این است که مخالفت با استفاده از باورهای کلامی، بیش‌تر بر اساس زمینه‌های بدبینی است که به آن اشاره شد. به سخن دیگر، زمینه‌های بدبینی، برخی پژوهش‌گران را به مخالفت کشانده و گرنه برای مخالفت، دلیل موجهی آورده نشده است.

فهرست منابع

۱. قرآن.
۲. کتاب مقدس، بی‌تا.
۳. ابراهیم حسن، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران: جاویدان، ۱۳۷۶.
۴. ابن‌ابی‌الحدید، محمدبن‌عبدالحمید، *شرح نهج البلاغه*، تهران: جهان، بی‌تا.
۵. ابن‌العبری ملطی، ابوالفرج، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
۶. ابن‌بکار، زبیر، *الموققیات*، قم: شریف‌الرضی، ۱۳۷۴.
۷. ابن‌خلدون، عبدالرحمان، *مقدمه*، ترجمه محمدپروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۸. _____، *تاریخ*، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۱ق.
۹. ابن‌سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن‌عساکر، علی‌بن‌حسن، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۱. ابن‌منظور، *لسان‌العرب*، ج ۱۱، ۱۴۰۵ق.
۱۲. ابن‌هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، بیروت: دار احیاء التراث، بی‌تا.
۱۳. امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۴. آخوند خراسانی، محمدکاظم، *کفایة الاصول*، قم: مؤسسة آل‌البتیت، ۱۴۰۹ق.
۱۵. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، *خود مشیت‌مالی*، تهران: علم، ۱۳۸۵.
۱۶. بلاذری، احمدبن‌یحیی، *انساب‌الاشراف*، ترجمه ریحانتی رسول‌الله، قم: احیاء الثقافة، ۱۴۱۶ق.
۱۷. _____، *انساب‌الاشراف*، ترجمه ریحانتی رسول‌الله، قم: احیاء الثقافة، ۱۴۱۹ق.
۱۸. تبریزی، جواد، *صراط‌النجاه*، قم: برگزیده، ۱۴۲۵ق.
۱۹. ترمذی، محمدبن‌عیسی، *السنن*، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۰. تستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۵ق.
۲۱. حضرتی، حسن، *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، تهران: نقش جهان، ۱۳۸۰.
۲۲. حلبی، برهان‌الدین، *السیره الحلبیه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۳. حلبی، حسن‌بن‌یوسف، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.

۲۴. خوارزمی، موفق بن احمد، *مقتل الحسین*، قم: مفید، بی‌تا.
۲۵. ذهبی، احمد بن عثمان، *میزان الاعتدال*، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۸۲ق.
۲۶. راوندی، مرتضی، *تاریخ تحولات اجتماعی*، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.
۲۷. زریاب خویی، عباس، *بزم آورد*، تهران: محمدعلی علمی، بی‌تا.
۲۸. زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۲۹. سبحانی، جعفر، *الحديث النبوی بین الروایة و الدرایة*، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۹ق.
۳۰. سیدمرتضی، *تنزیه الانبیاء*، ترجمه امیرسلیمان رحیمی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۳۱. شکوری، ابوالفضل، *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر*، قم: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
۳۲. صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی و الرشاد*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۳۳. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله، *نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری*، تهران: کویر، ۱۳۷۹.
۳۴. _____، *شهید جاوید*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، بی‌تا.
۳۵. صدر، حسن، *تأسیس الشیعة*، تهران: اعلمی، بی‌تا.
۳۶. صدوق، محمد بن علی، *الاعتقادات*، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۳۷۱.
۳۷. _____، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
۳۸. _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳۹. صفایی حائری، عباس، *تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم*، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۱.
۴۰. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الرسل و الملوک*، بیروت: دارالتراث، بی‌تا.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۸.
۴۳. _____، *الاستبصار*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۶ق.
۴۴. عاملی، جعفر مرتضی، *تحلیلی بر زندگانی سیاسی امام حسن علیه السلام*، ترجمه محمد سپهری، تهران: سازمان تبلیغات، ۱۳۶۹.
۴۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، *اللوامع الالهیه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۶. فصیحی، سیمین، *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، مشهد: نوند، ۱۳۷۲.
۴۷. فهری، احمد، *سالار شهیدان*، قم: بی‌تا.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق.

۴۹. لاری، عبدالحسین، *المعارف السلطانیة*، تهران: نمایشگاه و نشر کتاب، ۱۳۶۴.
۵۰. مدرسی طباطبایی، حسین، *مکتب در فرایند تکامل*، تهران: کویر، ۱۳۸۶.
۵۱. مرتضی‌العاملی، جعفر، *الصحيح من سيرة النبي*، قم: بی‌نا، ۱۴۰۰ق.
۵۲. مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین، *مروج الذهب*، بیروت: دارالاندلس، ۱۳۸۵ق.
۵۳. مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم: صدرا، ۱۳۵۹.
۵۴. _____، *فلسفه تاریخ*، ج ۱، تهران: صدرا، ۱۳۶۹.
۵۵. _____، *علل گرایش به مادی‌گری*، تهران: صدرا، ۱۳۷۲.
۵۶. مظفر، محمدحسین، *پژوهشی در باب علم امام*، ترجمه دکتر علی شیروانی، قم: دارالفکر، ۱۳۸۵.
۵۷. مظفر، محمدرضا، *عقائد امامیه*، تهران: بی‌نا، بی‌تا.
۵۸. معرفت، محمدهادی، *تنزیه انبیا*، قم: نبوغ، ۱۳۷۴.
۵۹. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *اوائل المقالات*، قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۶۰. نجمی، محمدصادق، *سخنان حسین بن علی*، از مدینه تا کربلا، قم: اسلامی، ۱۳۶۴.
۶۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم بشرح الامام النووی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۶۲. واقدی، محمدبن عمر، *المغازی*، تهران: اسماعیلیان، بی‌تا.
۶۳. والش، اچ، *دلیو، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ*، ترجمه ضیاء‌الدین علایی طباطبایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

مجلات

۱. جهانبخش، جویا، «کتاب ماه دین»، ش ۸، سال چهارم، تهران: خانه کتاب ایران، ۱۳۸۰.
۲. حسن‌بگی، علی، «عدالت صحابه»، پژوهش‌های فلسفی‌کلامی، قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۲.
۳. شهیدی، جعفر، «دیدار با صاحب نظران»، حوزه، ش ۲۴، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۴. مرتضی‌العاملی، جعفر، «مصاحبه»، آئینه پژوهش، سال اول و پنجم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
۵. یوسفی غروی، محمدهادی، «تاریخ در آئینه پژوهش»، ش ۲، سال دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.